

## Criticism of Arafat-ul-Asheghin based on Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef

**Omid Shahmoradi**

Ph.D. student of Persian Language and Literature, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Letterse and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Iran, o.shahmoradi1988@yahoo.com

**Mohammadjafar Yahaghi\***

Department of Persian language and literature, faculty of literature and human science, ferdowsi university, Mashhad, Iran, [mgyahaghi@yahoo.co.uk](mailto:mgyahaghi@yahoo.co.uk)

**Arif Naushahi**

Retired professor, Persian Language and Literature Department Government Gordon College, Rawalpindi, Pakistan, arifnaushahi@gmail.com

### Abstract

Due to inappropriate historical, political and social conditions, many authentic literary manuscripts, such as several poets' collections, have vanished throughout history. Therefore, poem anthologies comprising various poets' poem selections are considered important references for the correction and re-correction of several literary texts. Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef from Seif-e-Jam-e-Heravi is one of the oldest anthologies remained from the eighth and ninth centuries AH in Indian subcontinent. Majmue-ye-Lataef -va-Safine-ye-Zaraef can be employed to re-correct parts of Arafat-ul-Asheghin° va-arasa-ul-arefin. Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef was written two hundred years before Arafat-ul-Asheghin in the Indian subcontinent, and hence the original and correct version of several poems from the latter can be found only in the former, making the former a significant resource for the re-correction of the latter. This work re-corrects several mistakes of two printed copies of Arafat-ul-Asheghin based on Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef as follows: incorrect assignment of poems, incorrect biographies of poets, mistakes in the record of poets' names, and wrong-readings of poems. Additionally, this paper points to the several other flaws increasing the mistakes existing in the two printed copies of Arafat-ul-Asheghin copies: weaknesses of the correction methodology, failing to refer to other reliable resources (e.g., printed poets' collections, Majmue-ye-Lataef -va- Safine-ye-Zaraef), and misreading of the manuscripts.

**Keywords:** Correction, Seif-e-Jam-e-Heravi, Majmue-ye-Lataef-va-Safine-ye-Zaraef, Owahdi-e-Balayani, Arafat-ul-Asheghin.

---

\* Corresponding author

فصل‌نامه متن‌شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)  
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان  
سال پنجاه و پنجم، دوره جدید، سال یازدهم  
شماره سوم (پیاپی ۴۳)، پاییز ۱۳۹۸، صص ۲۵-۴۱  
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۳

## نقد عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

امید شاه‌مرادی\* - محمدجعفر یاحقی\* - عارف نوشاهی

### چکیده

به سبب شرایط نامناسب تاریخی، سیاسی و اجتماعی، بسیاری از نسخه‌های معتبر آثار ادبی از جمله دیوان برخی از شاعران در طول تاریخ از بین رفته است؛ به همین سبب می‌توان از سفینه‌های شعری که در بردارنده گزیده‌ای از اشعار شاعران مختلف است، در جایگاه یکی از مهم‌ترین منابع جانبی برای تصحیح و بازتصحیح بسیاری از متون ادبی بهره برد. مجموعه لطایف و سفینه ظرایف تألیف سیف جام هروی از کهن‌ترین سفینه‌های به‌جامانده از قرون هشتم و نهم در شبه‌قاره است که می‌توان از آن در بازتصحیح بخشی از عرفات‌العاشقین استفاده کرد. مجموعه لطایف حدود دو سده پیش از تذکره عرفات‌العاشقین در شبه‌قاره نوشته شده است. به همین سبب شعر برخی از شاعرانی که در عرفات‌العاشقین آمده، تنها در مجموعه لطایف ثبت شده است؛ بنابراین مجموعه لطایف یکی از منابع معدودی است که می‌توان با تکیه بر آن به ضبط‌های صحیحی از اشعار برخی شاعران عرفات‌العاشقین دست یافت. این مقاله با تکیه بر مجموعه لطایف، برخی از اشتباهات موجود در دو چاپ عرفات‌العاشقین را بررسی می‌کند: انتساب نادرست اشعار، خطا در معرفی شاعران، خطا در ضبط نام شاعران و ضبط نادرست اشعار. افزون‌بر آنچه بیان شد، ضعف روش‌شناسی در فن تصحیح، مراجعه نکردن به منابعی مانند دیوان‌های چاپی شاعران و منابعی مانند مجموعه لطایف و نیز بدخوانی مصححان باعث افزایش میزان خطاهای دو چاپ عرفات‌العاشقین شده است که در این مقاله به آنها اشاره می‌شود.

### واژه‌های کلیدی

تصحیح؛ سیف جام هروی؛ مجموعه لطایف و سفینه ظرایف؛ اوحدی بلیانی؛ عرفات‌العاشقین

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، o.shahmoradi1988@yahoo.com

استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) mgyahaghi@yahoo.co.uk

استاد بازنشسته زبان و ادبیات فارسی کالج دولتی گوردون، راولپنڈی، پاکستان، arifnaushahi@gmail.com

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

## مقدمه

سده‌های هفتم و هشتم به سبب پیدایش نخستین سفینه‌ها به زبان فارسی، نقطه عطفی در تاریخ ادبیات است. با وجود این، تعداد سفینه‌هایی که از این دوره به دست ما رسیده، بسیار اندک است و در دوره تیموری و صفوی نگارش آنها به اوج می‌رسد (افشار، ۱۳۸۹: ۲). محمد قزوینی با معرفی نسخه مونس‌الاحرار محمد بدر جاجرمی (قزوینی، ۱۳۳۲، ج ۲: ۱۸۶) و سپس حبیب یغمایی با چاپ نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم (۱۳۴۳)، برای نخستین بار توجه اهل ادب را به این نوع ادبی جلب کردند. مجموعه لطایف و سفینه ظرایف به قلم سیف جام هروی یکی از مهم‌ترین و کهن‌ترین اینگونه مجموعه‌هاست. تدوین مجموعه لطایف که گمان می‌رود تا سال ۸۰۴ هجری به طول انجامیده، در زمان سلطنت فیروزشاه تغلق (حک: ۷۵۲-۷۹۰ ق) آغاز شده است (رک: نذیر احمد، ۱۳۹۴ ب: ۳۴۷-۳۴۹). موضوع اصلی این اثر بلاغت است؛ اما جامع آن در ذیل هر صنعت بلاغی، اشعار فراوانی از سرایندگان مختلف را گرد آورده و اهمیت کتاب خود را تا حد یک سفینه شعری پربرگ بالا برده است. از این اثر تاکنون دو نسخه در کتابخانه‌های جهان شناسایی شده است: ۱) نسخه لندن در ۴۴۷ برگ، محفوظ در کتابخانه بریتانیا؛ ۲) نسخه کابل در ۴۱۰ برگ، محفوظ در آرشیو ملی افغانستان (برای جزئیات بیشتر رک: نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۳). مجموعه لطایف به سبب قدمتش می‌تواند در تصحیح و بازتصحیح برخی از متون شعری، به ویژه سفینه‌ها و تذکره‌ها، منبع جانبی مهمی باشد. اهمیت این اثر در تصحیح متن‌هایی که پس از آن در همان حوزه جغرافیایی به نگارش درآمده است، بیشتر و بهتر آشکار می‌شود. عرفات‌العاشقین (تألیف: ۱۰۲۲-۱۰۲۴ ق) از جمله تذکره‌های عمومی است که حدود دو سده پس از مجموعه لطایف در آگره هند نوشته شد. با وجود اهمیت این تذکره، متأسفانه فقط سه نسخه از آن موجود است که آنها هم مغلوپ و ناقص و متاخر است (برای آگاهی از نسخ این کتاب رک: اوحدی، ۱۳۸۹: ج ۱، سی - سی و دو)؛ پس با وجود چنین نسخی، برای به دست دادن چاپی منقح، از مراجعه به منابع جنبی و معتبر ناگزیریم. تاکنون دو تصحیح از عرفات‌العاشقین چاپ شده است: نخستین بار محسن ناجی نصرآبادی در سال ۱۳۸۸ و بار دوم ذبیح‌الله صاحبکاری و آمنه فخراحمد در سال ۱۳۸۹ این تذکره را تصحیح و منتشر کردند. تصحیح دوم این تذکره نسبت به تصحیح نخست به مراتب بهتر است؛ گرچه این چاپ نیز کاستی‌هایی دارد که از مهم‌ترین آنها استفاده نکردن از منابع جنبی مانند سفینه‌های شعری است. این مقاله با تکیه بر مجموعه لطایف، به بررسی عرفات‌العاشقین پرداخته و نشان داده است استفاده از منابعی مانند مجموعه لطایف تا چه حد به تصحیح بهتر متنی مانند عرفات‌العاشقین کمک می‌کند و در کاستن لغزش‌های موجود در آن مفید است. محور این پژوهش عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری و فخراحمد است؛ اما نگارندگان افزون‌بر این چاپ در موارد اختلاف نمونه‌ها به چاپ ناجی نصرآبادی از عرفات‌العاشقین نیز مراجعه داشته‌اند.

## پیشینه پژوهش

بر پایه جست‌وجوی نگارندگان، پژوهش‌های زیر درباره مجموعه لطایف منتشر شده است. نخستین بار سعید نفیسی (۱۹۵۵ م) در مقاله‌ای به معرفی پنج مجموعه کهن از جمله مجموعه لطایف پرداخت. او در این مقاله، مؤلف مجموعه لطایف را به اشتباه سیف حسام هروی معرفی کرد. پس از او، نذیر احمد (۱۳۹۴ الف) مقاله‌ای در اصلاح برخی نظریه‌های نفیسی از جمله نام مؤلف مجموعه لطایف نوشته است. عارف نوشاهی نیز در دو جستار مستقل (۱۳۷۸) و (۱۳۸۱)، مجموعه لطایف را معرفی کرده است. خلیل‌الله افضل‌ی نیز در مقاله‌ای (۱۳۹۵) سرگذشت نسخه کابل مجموعه

لطایف را نوشته است. نذیر احمد (۱۳۹۴ ب) در مقاله‌ای دیگر چند شاعر کم‌شهرت در دوره فیروزشاه تغلق را با تکیه بر مجموعه لطایف بازنمایی و بررسی کرده است. همچنین او (۱۹۹۱ م) یک قصیده به همراه صد و بیست و شش غزل حافظ را که در مجموعه لطایف آمده، به صورت کتابی چاپ کرده است. عارف نوشاهی (۱۳۷۹) همچنین بخش موسیقی این اثر را تصحیح و منتشر کرد. امیرحسین عابدی نیز در جستاری (۱۳۶۳) دو غزل از اشعار نویافته سعیدی را براساس مجموعه لطایف به چاپ رساند. فوزیه وحید (۲۰۱۱ م) نیز شاعران کم‌شهرت نیمه اول مجموعه لطایف را برای رساله دکتری براساس نسخه لندن، به صورتی مغلوپ در دانشگاه علیگره تصحیح کرده است. این رساله بعدها (۲۰۱۴ م) در علیگره به صورت کتابی مستقل چاپ شد.

با توجه به اهمیت عرفات‌العاشقین، تاکنون تحقیقات بسیاری درباره آن انجام شده است. گلچین معانی (۱۳۶۳) ضمن پرداختن به شرح حال اوحدی و توصیف نسخه‌های عرفات‌العاشقین، به طور گذرا به برخی از ایرادهای موجود در این تذکره، مانند در هم آمیختن شرح حال‌ها و ثبت غلط نام‌ها، اشاره کرده است (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۰-۱۱). شفیع‌یون (۱۳۹۱) نیز در نوشتاری به برخی از لغزش‌های اوحدی پرداخته است. با انتشار دو چاپ عرفات‌العاشقین در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹، به نقد و بررسی این اثر بیشتر توجه شد؛ جعفری و دیگران (۱۳۹۳) اشعار قطران تبریزی را در مقایسه با دو چاپ عرفات‌العاشقین بررسی کرده‌اند. شفیع‌یون در مقاله‌ای (۱۳۸۹) با برشمردن برخی از ایرادهای روش‌شناسی و تصحیح، چاپ ناجی نصرآبادی را کم‌اعتبار دانسته است. علیزاده (۱۳۹۲) با آنکه جستارش درباره شاعران تبریز و آذربایجان در عرفات‌العاشقین بوده، به استفاده نکردن مصححان از منابع معتبر اشاره کرده است. همچنین نحوی (۱۳۹۳) با آنکه به تحقیق درباره شعرای فارس پرداخته، برخی از مسائل درباره ضعف روش تصحیح و اشتباهات خود اوحدی را بررسی کرده است. همچنین شفیع‌یون در مقاله‌ای دیگر (۱۳۹۳) به برخی از لغزش‌ها مانند روش تصحیح، ضعف روش‌شناسی در تحقیق و نمایه‌های عرفات‌العاشقین (چاپ صاحبکاری و فخراحمد) پرداخته است؛ به طور کلی ایرادهای شفیع‌یون جدا از لغزش‌های چاپی و تحقیقی، به شاعران سده‌های نهم و دهم بازمی‌گردد. بیدکی و دیگران (۱۳۹۶) نیز به بررسی انتقادی عرفات‌العاشقین، با تکیه بر مجالس‌النفایس پرداخته‌اند؛ نویسندگان این مقاله تنها به شاعران طبقه متوسط عرفات‌العاشقین توجه داشته‌اند.

چنانکه مشاهده شد، هیچ پژوهش جامعی تاکنون درباره عرفات‌العاشقین از منظر سفینه‌ها به طور عام و مجموعه لطایف به طور خاص انجام نشده و در پی رفع کاستی‌های متنی عرفات‌العاشقین از این دیدگاه برنیامده است. در این پژوهش به برخی از ایرادهای دو چاپ عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف پرداخته و نشان داده می‌شود که مجموعه لطایف تا چه حد در تصحیح عرفات‌العاشقین راهگشاست.

### بحث و بررسی

خطاها و اشتباهات موجود در عرفات‌العاشقین را در دو حوزه می‌توان مطرح کرد؛ این خطاها و اشتباهات یا به مؤلف آن یعنی اوحدی برمی‌گردد و یا به کار مصححان اثر مربوط می‌شود. در این پژوهش، اشعار و شاعرانی بررسی می‌شود که در مجموعه لطایف شعر و نام آنها آمده است. همه موارد ارجاعی به مجموعه لطایف براساس نسخه محفوظ در کتابخانه بریتانیا خواهد بود.

## انتساب غلط اشعار

یکی از ایرادهای مهمی که در درجه اول بر اوحدی و در درجه دوم بر مصححان *عرفات العاشقین* وارد است، اشتباه در انتساب اشعار است که در ادامه، مثال‌هایی درباره آن ارائه خواهد شد.  
- شعری با مطلع زیر در *عرفات العاشقین*، به رودکی نسبت یافته است:

زهی فزوده جمال تو زیب و آرا را / شکسته سنبل زلف تو مشک سارا را

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۵۳۵)

این غزل در برگ «۲۴۸ پ» مجموعه *لطایف*، به صورت کامل تر و در نه بیت (پنج بیت اضافه تر نسبت به *عرفات العاشقین*) به نام رشید و طواط آمده است. نکته مهم اینکه در بیت آخر غزل، تخلص «رشید» نیز ذکر شده است:

رشید را به غلامی اگر قبول کنی / به بندگی نپسندد هزار دارا را

این غزل و نه غزل دیگری که در مجموعه *لطایف*، ذیل نام «رشید» آمده است، هیچ‌کدام در *دیوان رشید و طواط* موجود نیست و این امکان وجود دارد که از او نباشد؛ اما چهار نکته درخور توجه است: نخست آنکه بیت دارای تخلص است و نشان می‌دهد که شعر از شاعری به نام «رشید» بوده است و قطعاً از رودکی نیست. دیگر اینکه، اقدام نسخ *دیوان رشید و طواط* که در تصحیح نفیسی استفاده شده از قرن یازدهم است (وطواط، ۱۳۳۹: ۴۲)؛ حال آنکه مجموعه *لطایف* متعلق به قرن هشتم و نهم است. نکته سوم اینکه رشید و طواط در دورانی می‌زیست که در کنار قالب قصیده، قالب غزل نیز در حال اوج گرفتن بود؛ تعداد غزلیات موجود در *دیوان‌های انوری، خاقانی، عبدالواسع جبلی* و اثر اخسیکتی که معاصر رشید و طواط بوده‌اند، گواه روشنی بر رواج غزل در این عصر است. حال آنکه در *دیوان رشید* فقط ده غزل به شکل ناقص موجود است. نکته چهارم اینکه دولت‌شاه سمرقندی (قرن نهم) *دیوان رشید و طواط* را قریب به پانزده هزار بیت برآورد کرده است (دولت‌شاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۸۹)؛ درحالی‌که چاپ نفیسی ۸۵۶۳ بیت دارد (وطواط، ۱۳۳۹: ۴۲).

- در *عرفات العاشقین* قصیده کوتاهی با مطلع زیر در ذیل نام لامعی گرگانی ثبت شده که البته در دو چاپ نفیسی و دبیرسیاقی نیز آمده است:

مه روی من بخواست به عزم شکار اسب / گفت ای غلام خیز و به زین اندر آر اسب

اما این قصیده به دلایلی نمی‌تواند از لامعی باشد؛ نخست همان‌گونه که دبیرسیاقی مصحح *دیوان لامعی* در پانوشته آورده، این قصیده منسوب به لامعی است (لامعی گرگانی، ۲۵۳۵: ۱۲)؛ دیگر آنکه این قصیده در هیچ‌کدام از نسخ موجود *دیوان لامعی* نبوده است؛ همچنان که در جدیدترین تصحیح *دیوان* او نیز در متن *دیوان* نیامده و مصحح آن را در بخش ملحقات، از روی چاپ نفیسی و دبیرسیاقی آورده است (همان، ۱۳۸۹: ۱۷۹)؛ دلیل سوم اینکه در برگ «۱۰۱ ر» مجموعه *لطایف*، این قصیده به کمال‌الدین فرقدی نسبت یافته است؛ این انتساب آنگاه قوت می‌یابد که مجموعه *لطایف* از همه نسخه‌های *دیوان لامعی* کهن تر است. دلیل چهارم این است که این قصیده به یکی از نسخه‌های *دیوان کمال‌الدین اسماعیل* (به سبب تشابه نام او با کمال‌الدین فرقدی) وارد شده است؛ به همین سبب مصحح *دیوان کمال اسماعیل* این قصیده را که تنها در نسخه مجلس شورای ملی مورخ (۷۲۱ ق) موجود بوده، جزو ملحقات *دیوان کمال* آورده است (کمال اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۷۳-۹۷۴)؛ پنجمین دلیل منطقی این است که در سنت ادبی، معمولاً اشعار شاعران کم‌شهرت به شاعران مشهورتر منتسب می‌شده است<sup>۱</sup> و چون کمال اسماعیل از کمال‌الدین فرقدی مشهورتر است، امکان این انتساب بیشتر می‌شود.

- شعر زیر نمونه‌ای دیگر از انتساب نادرست ابیات در عرفات‌العاشقین است:

ای رخت آینه گیتی‌نمای چشم من

مهر روی روشنت شمع سرای چشم من

زلف و رخسار تو را شام و سحر خوانم از آنک

هست آن بند دل و این دلگشای چشم من

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۱۴۷)

دو بیت بالا در عرفات‌العاشقین ذیل نام «شمس درود» آمده؛ حال آنکه بیت اول آن در جای دیگر همین تذکره، به شاعر دیگری به نام «مسعود صفی» نیز منسوب شده است (همان، ج ۶: ۳۹۳۹). در برگ «۳۵۵ پ - ۳۵۶ ر» مجموعه لطایف، هر دو غزل «شمس درود» و «مسعود صفی» به صورت کامل تر به دنبال هم آمده است که نشان می‌دهد بیت اول شعر بالا در عرفات‌العاشقین، از «مسعود صفی» است؛ حال آنکه بیت نخست غزل «شمس درود» به این صورت است:

تا که شد سودای زلفت آشنای چشم من      شد سیه از دود دل صحن سرای چشم من

علت اشتباه اوحدی، احتمالاً وحدت وزن و قافیه در دو غزل «شمس درود» و «مسعود صفی» بوده است.

افزون بر آنچه بیان شد، می‌توان به نمونه دیگری از انتساب‌های اشتباه اوحدی یعنی نسبت‌دادن یک شعر به دو تن اشاره کرد:

- اوحدی شعری با مطلع زیر را به ابوسعید سعادت بن مسعود سعد سلمان نسبت داده است:

بر گل عبیر داری و بر لاله مشک ناب      بر نارदानه لؤلؤ و بر نارदान گلاب

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۸۰-۸۱)

اما در جای دیگری از تذکره (همان، ج ۳: ۱۸۴۰)، همان شعر به صورت کامل تر و در شش بیت به نام «سعید سعد» ثبت شده است؛ با این تفاوت که تخلص در بیت آخر، «سعید سعد» آمده است؛ در برگ «۳۶۳ پ» مجموعه لطایف، این شعر در دوازده بیت با ذکر تخلص، از «سعید سعد» دانسته شده و این بیانگر آن است که احتمالاً اوحدی به سبب تشابه اسمی دو شاعر، آن را به سعادت بن مسعود سعد نسبت داده است.

- نمونه دیگری انتساب شعری با مطلع زیر به جلال عضد است:

آتش دل چند سوزد رشته جانم چو شمع      ای صبا تشریف ده تا جان برافشانم چو شمع

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۱۱)

که هم در برگ «۳۱۶ پ» مجموعه لطایف و هم در دیوان جلال عضد (۱۳۹۳: ۳۸۵) به نام وی آمده است؛ اما اوحدی شعر بالا را در جای دیگری از تذکره، به شاعری با نام «جلال» نسبت داده است (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۱۰۲۶)؛ ولی هیچ اطلاعی از هویت و شرح حال او ارائه نمی‌دهد و به نظر می‌رسد نامی مجعول باشد.

## خطا در معرفی شاعران

به گفتهٔ اوحدی، *عرفات‌العاشقین* بیست و هشت عرصه به عدد حروف تهجی دارد و در هر عرصه، سه غرفه دربارهٔ شاعران متقدم و متوسط و متأخر موجود است (همان، ج ۱: ۳۴). یکی از ایرادهایی که بر اوحدی وارد است، خطاهای او در همین طبقه‌بندی و معرفی شعراست. اصرار اوحدی در معرفی و بازشناسی شاعران، گاهی به طبقه‌بندی‌های نادرست، معرفی‌های اشتباه و سجع‌پردازی‌های بی‌محتوا انجامیده است. در ادامه، به بخشی از این خطاها اشاره می‌شود. - از جمله اشتباهات اوحدی می‌توان به طبقه‌بندی شاعران ذیل سه عنوان متقدم و متوسط و متأخر اشاره کرد. برای مثال، او جلال‌الدین عتیقی را که تا سال ۷۴۳ قمری می‌زیسته است (عتیقی، ۱۳۸۸: نه) در شمار متقدمین ذکر می‌کند (اوحدی، ۱۳۸۹: ج ۵، ۲۵۹۵)؛ اما شاعران مقدم بر او مانند امیرخسرو (م: ۷۲۵ ق) و نزاری قهستانی (م: ۷۲۰ یا ۷۲۱ ق) را ذیل طبقهٔ متوسطین می‌آورد. همچنین اوحدی در بخش شاعران متأخر (سخنوران اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم)، شعری را به خواجه وجیه‌الدین منسوب می‌کند (همان، ج ۷: ۴۵۷۵)؛ حال آنکه این شعر در برگ «۴۲۶ ر» مجموعهٔ *لطایف* نیز آمده است. به سبب آنکه مجموعهٔ *لطایف* در ۸۰۴ هجری تدوین یافته، اوحدی در ذکر این شاعر در طبقهٔ متأخرین به خطا رفته است. همچنین اوحدی مجد خوافی (نویسنده و شاعر سدهٔ هفتم و هشتم) را که شعر او در برگ «۳۱۵ پ» مجموعهٔ *لطایف* آمده، ذیل طبقهٔ متأخرین آورده است (اوحدی، ج ۶: ۳۹۸۷-۳۹۸۸).

- از دیگر خطاهای راه‌یافته به *عرفات‌العاشقین* معاصرانستن شاعرانی است که به استناد منابع دیگر، هم‌دوره بودن آنها با یکدیگر ناممکن است؛ برای مثال صاحب *عرفات‌العاشقین*، سیفی هروی را معاصر سیفی بخاری و امیر یادگار سیفی می‌داند (همان، ج ۳: ۱۸۷۴)؛ اما آنها با یکدیگر معاصر نیستند. نام سعدالدین سیفی هروی در برگ «۳۳۷ پ» مجموعهٔ *لطایف* آمده است و یکی از اشعاری که اوحدی به او نسبت داده، به صورت کامل‌تر در این مجموعه مندرج است؛ پس ممکن نیست سیفی هروی با سیفی بخاری که هم‌صحبت جامی بوده و نیز با امیر یادگار سیفی که در دورهٔ بابر می‌زیسته است (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۸۷۱)، معاصر باشد.

- از دیگر اشتباهات اوحدی می‌توان به خطاهای او در خلط شخصیت‌ها اشاره کرد؛ برای نمونه اوحدی به اشتباه و به نقل از *تاریخ بیهقی*، «سعد ضراب دامغانی» را از شاعران عهد غزنوی می‌داند و غزلی را از او در تذکرهٔ خود می‌آورد (همان: ۱۷۴۹). نام «سعد ضراب دامغانی» و صورت کامل‌تر این غزل، در برگ «۳۳۶ پ» مجموعهٔ *لطایف* آمده است. به گمان بسیار اوحدی «سعد ضراب» را با «سعید صراف» در *تاریخ بیهقی* (برای شرح حال او رک: *بیهقی*، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۳۸۲) خلط کرده است و مصححان *عرفات‌العاشقین* که متوجه خطای او نشده‌اند، به اشتباه «سعد ضراب» را به «سعید ضراب» تغییر داده‌اند. افزون‌بر این، غزل «سعد ضراب» شباهتی به سبک شعر عصر غزنوی ندارد.

- از دیگر سهوهای اوحدی، لغزش او در خلط «ابوالحسن لوکری» و «محمد لوکری» است. هرچند اوحدی هر یک از آنها را ذیل عرفه‌ای مستقل آورده، با کسانی هم‌نظر است که ابوالحسن لوکری را با محمد لوکری یکی دانسته‌اند (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۴۳-۳۶۴۵). این دو فرد به دو سبب از یکدیگر متمایزند: اول اینکه، نام ابوالحسن لوکری «علی» است و از شاعران عهد سامانی بوده که «لوکری» تخلص می‌کرده است. شرح حال و اشعار او در *لباب‌الالباب* آمده است (عوفی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۵۳). دوم اینکه، نام لوکری دوم «محمد» است و افزون‌بر اینکه شعر او به شعر عهد سامانی شباهتی ندارد، تخلص شعری او «محمد» بوده است. سه بیت غزلی که از او در *عرفات‌العاشقین* آمده، در برگ «۳۰۳ پ - ۳۰۴ ر» مجموعهٔ *لطایف* با تخلص «محمد» به صورت کامل‌تر ذکر شده است. مقطع این غزل اینگونه است:

ز آرزوت محم د دوباره می‌گوید **بیا که با لبست امروز کارها دارم**  
 مطالب قابل اعتمادی که اوحدی در شرح حال ابوالحسن لوکری و برخی از شاعران متقدم در *عرفات‌العاشقین* آورده، اغلب از *لباب‌الالباب* عوفی نقل شده است؛ ولی اوحدی هر جا مطلبی بر گفته عوفی افزوده، یا به لفظ‌پردازی روی آورده و یا اشتباه کرده است؛ مثلاً شعر معروف لبیبی را (بیهقی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۶۳) با استناد به تاریخ بیهقی از ابوالحسن لوکری دانسته است (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۴۴)؛ بنابراین کاملاً نمی‌توان به سخن او درباره لوکری و همچنین برخی از شاعران متقدم دیگر اعتماد کرد.

### تصحیف و تحریف در *عرفات‌العاشقین*

*عرفات‌العاشقین* مشتمل بر ۳۴۹۲ ترجمه<sup>۲</sup> به همراه هشتاد هزار بیت شعر است (واله داغستانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۰۴). کثرت ابیات و بسیاری نام شاعران سبب شده است که خطاهایی به این اثر راه یابد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. با تکیه بر مجموعه *لطایف*، این خطاها را می‌توان در دو بخش «نام شعرا» و «متن اشعار» بررسی کرد. وجود برخی از این تصحیفات و تحریفات را افزون بر اشتباهات اوحدی و نداشتن نسخ معتبر می‌توان به مصححان نسبت داد که به سبب بدخوانی و مراجعه نکردن به منابع معتبر نتوانسته‌اند صورت صحیح اشعار را پیدا و ضبط کنند.

### خطا در ضبط نام شاعران

- نام عمید لویکی، شاعر سده هفتم، در *عرفات‌العاشقین* چاپ ناجی نصرآبادی به صورت «عمیدالدین الدیلمی اللومکی» (اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۲۸) و در چاپ صاحبکاری و فخر احمد به صورت «عمیدالدین الدیلمی الذونکی» (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۵) ضبط شده است. در برگ «۹» مجموعه *لطایف*، نام صحیح این شاعر به همراه شعر او آمده است. مصححان *عرفات‌العاشقین* (چاپ صاحبکاری - فخر احمد)، ضبط «الذونکی» را تنها با مراجعه به فرهنگ سخنوران برگزیده‌اند و از مراجعه به منابع دیگر - مانند مجموعه *لطایف* و *دیوان اشعار لویکی* که مصحح دیوان به صورت مستدل درباره نام شاعر بحث کرده است (لویکی، ۱۹۸۵: ۴-۵) - غفلت کرده‌اند. این شیوه نادرست در مقابله اشعار نیز مشاهده می‌شود؛ برای مثال مصححان به جای مراجعه به دیوان‌های عمید لویکی، همام تبریزی، جلال عضد و غیره، یا به منابع متأخری مانند *مجمع‌الفصاحی* هدایت بسنده کرده‌اند و یا به تصحیح قیاسی روی آورده‌اند.

- همچنین مصححان هر دو چاپ *عرفات‌العاشقین*، ضبط صحیح «سعد ضراب دامغانی» را که در نسخه خدابخش *عرفات‌العاشقین* آمده است، به پانوشت برده و به جای آن ضبط نادرست «سعید ضراب دامغانی» را برگزیده‌اند (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۷۴۹). در برگ «۳۳۶ پ» مجموعه *لطایف*، غزل نامبرده در *عرفات‌العاشقین*، به صورت کامل تر همراه با تخلص شاعر آمده است که نام صحیح او را آشکار می‌کند:

**وگر به فرقت یاران هلاک گردی سعد!** مگر صبا ز تو گردی بدان دیار برد

- نمونه‌ای دیگر از اشتباهات اوحدی را می‌توان در نام «شمس جنبدی» یافت؛ اوحدی ذیل شرح حال او می‌نویسد: «شمس فلک بلاغت، اختر برج فصاحت ... سراپا نیک معرا از لباس بدی، شمس‌الدین جنبدی ...» (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۲۳). پیداست اوحدی در شرح بالا با سجع بین «بدی» و «جنبدی» نام شاعر را «جنبدی» دانسته است. نام این شاعر در *عرفات‌العاشقین* چاپ ناجی نصرآبادی (همان، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۸۴۵)، فرهنگ سخنوران (خیامپور، ۱۳۷۲، ج ۲:



۵۱۲) و هفت اقلیم (رازی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۷۰۴) نیز به اشتباه «شمس‌الدین جنیدی» ثبت شده است. در مجموعه لطایف، نام شاعر «شمس جنیدی» آمده است که احتمالاً صورت صحیح نام اوست. در هفت اقلیم و به تبع آن در عرفات العاشقین، فقط سه بیت از شعر این شاعر در ستایش پیامبر نقل شده است؛ اما در برگ «۱۶ ر» مجموعه لطایف، صورت کامل‌تر این شعر در دوازده بیت همراه با تخلص شاعر آمده است:

یا رسول‌الله قبولم کن به احسانی از آنک  
شمس جنیدی گشت از سودای تو سودازده

– همچنین تحریف نام فرزددق یمینی به یمنی از دیگر اشتباهات مصححان (چاپ صاحبکاری – فخر احمد) است. اوحدی ذیل نام فرزددق یمینی چنین می‌نویسد: «از جمله صاحب‌کمالان گزینی گوهر یمین بی‌قرینی حکیم فرزددق یمینی ...» (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۷). گلچین معانی درباره این سجع‌پردازی‌های اوحدی می‌گوید: «اگرچه مؤلف عرفات در به کار بردن مترادفات و الفاظ متشابه با نام و تخلص و حرفت شاعر زیاده‌روی کرده است، ولی گاهی که نام شاعری دستخوش تحریف و غلط‌کاری کاتب شده باشد، همان الفاظ در درست خواندن نام صاحب ترجمه مفید واقع می‌شود» (گلچین معانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۶). سجع بین «بی‌قرینی» و «یمنی» نشان می‌دهد که اوحدی به‌درستی نام شاعر را «یمینی» می‌دانسته است؛ اما مصححان عرفات العاشقین بدون توجه به سجع‌پردازی‌های اوحدی، با استناد به مجمع‌الفصحا به اشتباه «یمینی» را به «یمنی» تغییر داده‌اند. گفتنی است نام این شاعر در عرفات العاشقین (چاپ ناجی نصرآبادی) به‌درستی فرزددق یمینی ذکر شده است (اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۲۸۳۹). گواه دیگر در صحیح‌بودن ضبط «یمینی» تخلص شاعر به «یمینی» در بیتی از سوگندنامه اوست که در برگ «۷۷ پ» مجموعه لطایف اینگونه آمده است:

غباری هست اگر باقی ادب کن بنده را اکنون  
ز تو تیغ از یمینی سر ز تو حکم از یمینی جان

نحوی فرزددق یمینی را از شاعران قرن هفتم و هشتم دانسته است (نحوی، ۱۳۹۳: ۱۵۲)؛ ولی باید فرزددق را در شمار سخنوران قرن ششم و یا حتی مقدم بر آن دانست؛ زیرا روحانی غزنوی، شاعر عصر بهرامشاه (قرن ششم)، فرزددق را هجو کرده است:

شنوده‌ای تو که سوگندنامه‌ها دیدم  
چهارمین‌شان کاسه کجا برم باری  
ز گفته دو سه محراب کوب لت‌انبان<sup>۳</sup> ...  
چراغ مرده دانش فرزددق نادان  
(رازی، ۱۳۸۹، ج ۳: ۱۵۴۸)

فرزددق نامبرده در بیت بالا فرزددق یمینی سراینده سوگندنامه‌ای است که در مجموعه لطایف و عرفات العاشقین آمده است.

### ضبط نادرست اشعار

در این بخش از مقاله، با تکیه بر مجموعه لطایف، به نمونه‌هایی از ضبط‌های نادرست اشعار در عرفات العاشقین اشاره خواهد شد.

– در عرفات العاشقین قصیده‌ای از حسن کاشی یا لطف‌الله نیشابوری<sup>۴</sup> به مولانا لطفی نسبت یافته (اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱-۳۶۵۲) که چون هویت او بر مصححان آشکار نشده است، به منابع دیگر از جمله دیوان حسن کاشی یا متنی مانند مجموعه لطایف برای تصحیح این ابیات مراجعه نکرده‌اند؛ در نتیجه متن اشعار به‌صورت ناصحیح آمده است.

یا افتخارالعالمین یا اختیارالمصطفی یا انت بدرالیقین یا انت صورالاصفیا

(همان، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۲۵۲)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم بیت بالا به این صورت آمده است: «یا انت بدرالمتقین یا انت صورالاصفیا» (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱).

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) مصراع دوم بیت بالا اینگونه است: «یا انت بدرالمتقین یا انت صدرالاصفیا».

«صورالاصفیا» در بیت بالا بی‌معناست و اگر اشتباه خود اوحدی نباشد، بدخوانی مصححان است؛ همچنین «بدرالیقین» در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی مفید معنا نیست و وزن مصراع را مختل کرده است.

- بیت زیر از همین قصیده، نمونه دیگری از اشتباهات راه‌یافته به عرفات‌العاشقین است:

تاج سر عالم تویی فخر بنی‌آدم تویی در نزد حق محرم تویی یا حارث الله فی‌الدعا

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱)

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) ضبط «حارب الله فی‌الوفا» به جای «حارث الله فی‌الدعا» آمده که صحیح است.

- و نیز این بیت:

نور بسیطی در علا بدر منیری در ضیا بحر محیطی در عطا ابر مطیری در سخا

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۶۵۱)

در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) به جای «نور بسیط»، ضبط «چرخ بسیط» آمده است.

«نور بسیط» ترکیب درستی است؛ اما نمی‌توان آن را به بلندی (علا) وصف کرد. حال آنکه «چرخ بسیط» نماد بلندی است چنانکه امیرمعزی می‌گوید:

با همت تو چرخ بسیط است چون ثری با خاطر تو بحر محیط است چون شمر

(معزی، ۱۳۱۸: ۳۰۵)

همچنین در برگ «۲۶ ر» مجموعه لطایف و دیوان حسن کاشی (۱۳۸۹: ۵۵) ضبط «مهر منیری» به جای «بدر منیری» آمده است. مصححان دو چاپ عرفات‌العاشقین، ضبط «مهر» را که در نسخ عرفات‌العاشقین موجود بوده است به اشتباه «هر» خوانده و آن را به پانوش برده و با تصحیح قیاسی، «بدر» را برگزیده‌اند.

- همچنین این بیت از مغیث هانسوی:

فراختی به جهان در شکر پدید آید چو مهر از آن شکر تنگبار بگشاید

(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۴۲۴)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، ضبط «فراحتی» به جای «فراختی» آمده است (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۸۵۱).

در برگ «۶۹ پ» مجموعه لطایف، «فراختی» ذکر شده است.

در عرفات‌العاشقین، «فراحتی» و «فراختی» تصحیف «فراختی» است؛ شاعر با استفاده از تشبیه مضمَر، لب معشوق را

به شکر تشبیه کرده است که با خندیدن معشوق، باعث فراخی و فراوانی در شکر و قند می‌شود؛ چنانکه جمال‌الدین اصفهانی در همین مضمون می‌گوید:

گشته است فراخ تنگ شکر تا شکر تنگ او سخن گفت

(جمال‌الدین اصفهانی، ۱۳۲۰: ۴۳۶)

همچنین ضبط «شکر» (به تشدید ک) در *عرفات‌العاشقین* چاپ ناجی نصرآبادی غلط است و وزن را مختل می‌کند. - یا این بیت از مغیث هانسوی:

سرگشته تقدیر ز افلاک شب و روز در بندگیت کرده میان چست به منطوق

(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۵: ۳۴۲۵)

در *عرفات‌العاشقین* چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع اول اینگونه آمده است: «سرگشته، تقدیر ز افلاک شب و روز» (همان، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۸۵۲).

در برگ «۱۱ ر» *مجموعه لطایف*، مصراع اول به صورت «سرگشته تقدیر تو افلاک شب و روز» ضبط شده است. در این قصیده، موضوع شعر هانسوی حمد خداوند است و معنای مصراع اول با توجه به *مجموعه لطایف* چنین است: افلاک، شب و روز، سرگشته تقدیر تو هستند. در حالی که در ضبط *عرفات‌العاشقین* چاپ صاحبکاری - فخر احمد، نقض غرض شده و گویی شاعر اینگونه گفته است: تقدیر تو، شب و روز، سرگشته افلاک است. افزون‌بر این، وزن مصراع اول اشکال دارد. در *عرفات‌العاشقین* چاپ نصرآبادی نیز بیت بی‌معناست.

- بیت زیر از عمید لویکی نمونه‌ای دیگر از خطاهای چاپی در *عرفات‌العاشقین* است:

در گرد تو درآیم می‌گیر و می‌فشار دست نشاط شادی و پای گلوی غم

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۸)

در برگ «۱۹۴ ر» *مجموعه لطایف* و دیوان عمید لویکی (۱۹۸۵: ۳۶۱) «نای» آمده است.

چون «گلوی غم»، «پای» ندارد، ضبط صحیح «نای» است.

- و نیز این بیت از عمید لویکی:

یا رب اگر چه پیش از این بود مرا دل و جگر خسته لعبت چنگل بسته دلبر یمک

(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۲۹)

در *عرفات‌العاشقین* چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم اینگونه آمده است: «خسته لعبت چنگل بسته دلبر نمک» (همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۰۵).

در برگ «۱۰ ر» *مجموعه لطایف* و دیوان عمید لویکی (۱۹۸۵: ۱۸۷)، مصراع دوم بیت بالا به این صورت ذکر شده است: «خسته لعبت چنگل بسته دلبر یمک». ضبط «چنگل» در *عرفات‌العاشقین* چاپ ناجی نصرآبادی، افزون‌بر اینکه مفید معنا نیست، اشکال عروضی نیز دارد. در *عرفات‌العاشقین* چاپ صاحبکاری - فخر احمد، ضبط «نمک» تصحیف «یمک» است؛ «یمک» از شهرهای حسن‌خیز ترکستان است که کلمه «چنگل» در همان مصراع آن را تأیید می‌کند.

- یا در شعر زیر از شمس جندی:

تا وجود تو شود موجود نقه اش ازل نقش نیرنگ بر وجود آدم و حوا زده

(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۸۴۵)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، مصراع دوم اینگونه آمده است: «نقش هریک بر وجود آدم و حوا زده» (همان، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۴۴).

در برگ «۱۶ ر» مجموعه لطایف، مصراع دوم به صورت «نقش نیرنگ وجود آدم و حوا زده» ضبط شده است. ضبط عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد مفید معنا نیست. یکی از معانی «نیرنگ» طرح و نقش است. در برهان قاطع، ذیل واژه نیرنگ آمده است: «آنچه مرتبه اول، نقاشان به انگشت و زغال نقش و طرح کنند و بکشند» (تبریزی، ۱۳۴۲: ذیل نیرنگ). کلمه «نقاش» در شعر بالا نیز تأییدکننده درستی ضبط «نیرنگ» است. نیرنگ به این معنا در شعر معزی نیز استفاده شده است:

همیشه تا که ز نیرنگ خامه نقاش  
بر آب نقش نیفتد به چاره و نیرنگ

(معزی، ۱۳۱۸: ۶۳۶)

در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، ضبط «نیرنگ بر» صحیح نیست؛ چون برای خلقت پیامبر (ص) نیرنگ بر وجود آدم و حوا نمی‌زنند؛ بلکه نیرنگ (طرح) آدم و حوا را می‌زنند. چنانکه در مرصادالعباد این ترکیب اینگونه آمده است:

سوز دل خسته از وصالش نشست  
وین تشنگی از آب زلالش نشست

وز سر هوس عشق جمالش نشست

(نجم رازی، ۱۳۶۵: ۳۲۰)

- این بیت از همان قصیده نیز همچنین است:

طرقاگوی سر کوی تو طاووس فلک  
ماسوی الله آنچه دیده جمله پشت پا زده

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۰۴۴)

مصراع دوم در برگ «۱۶ ر» مجموعه لطایف به صورت «غلغله در ساکنان عالم بالا زده» آمده است. براساس مجموعه لطایف، مصراع دوم این بیت با بیت قبل از آن در عرفات‌العاشقین خلط شده است؛ بنابراین ارتباط منطقی بین دو مصراع بیت بالا برقرار نیست. صورت صحیح این دو بیت را در برگ «۱۶ ر» مجموعه لطایف، اینگونه می‌خوانیم:

چشم مازاع البصر در عالم عین‌الیقین  
ماسوی الله آنچه دیده جمله پشت پا زده

طرقاگوی سر کوی تو طاووس ملک  
غلغله در ساکنان عالم بالا زده

- شعر زیر از نظام‌الدین اعرج، نمونه‌ای دیگر است:

دلی چه باشد جانی که آن به ناز کند  
محببت دوست چه پروای این و آن دارد

(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۶: ۳۸۵۵)

در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد، بیت اینگونه آمده است:

دلی چه باشد و جانی که آن نیاز کند  
محب دوست چه پروای آن و این دارد

(همان، ۱۳۸۹، ج ۷: ۴۳۰۶)

در برگ «۳۴۰ پ» مجموعه لطایف، مصراع اول به صورت «دلی چه باشد و جانی که آن نثار کنند» ضبط شده است. «نیاز کند» در بیت بالا، مفید معنایی نیست و مصححان عرفات‌العاشقین به اشتباه «نثار کنند» را به «نیاز کند» تبدیل کرده‌اند. همچنین در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، افزون بر بی‌معنایی بیت، مصراع دوم اختلال وزنی دارد. - نمونه‌ای دیگر از خطاهای موجود در عرفات‌العاشقین، بیت زیر از عزیزالله بسطامی است:

ای بلانگیزی چشمت بلای چشم من  
چشم من دل را بلا، چشمت بلای چشم من  
(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۸۳)

بیت در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد چنین است:

ای بلانگیزی چشمت بلای چشم من  
چشم من دل را بلا جسته برای چشم من  
(همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۶۷)

درک نادرست مصححان عرفات‌العاشقین از معنای بیت باعث شده است که آنها ضبط به نسبت صحیح نسخه خدابخش را به پانوشت برند و به تصحیح قیاسی روی آورند. معنای مصراع دوم با توجه به ضبط عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد اینگونه است: چشم من برای دل برای چشمم بلا جسته است. ضبط عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی نیز نادرست است؛ زیرا بیت قافیه ندارد. در حالی که صورت صحیح بیت را در برگ «۳۵۶ ر» مجموعه لطایف اینگونه می‌خوانیم:

ای بلانگیزی حسنت برای چشم من  
چشم من دل را بلا، حسنت بلای چشم من

- و نیز بیت زیر از همان غزل عزیزالله بسطامی:

ور سرود از رودها چون پرده‌ها آید برون  
روده‌های خون می‌رود از پرده‌های چشم من  
(اوحدی، ۱۳۸۸، ج ۴: ۲۴۸۳)

بیت در عرفات‌العاشقین چاپ صاحبکاری - فخر احمد اینگونه آورده شده است:

در سرود از رودها چون پرده‌ها [آید] برون  
رودها خون می‌رود از پرده‌های چشم من  
(همان، ۱۳۸۹، ج ۵: ۲۷۶۷)

بیت در برگ «۳۵۶ ر» مجموعه لطایف به این صورت است:

در سرود از رودها چون پرده‌ها آید برون  
رودها چون می‌رود از پرده‌های چشم من

ربط و معنای دو مصراع در بیت بالا، براساس تضاد بین آن دو استوار است. مصححان بدون توجه به این نکته، تناسبی بین خون و چشم تصور کرده و «چون» را به «خون» تبدیل کرده‌اند؛ در نتیجه آرایه هنری نهفته در بیت از بین رفته است. در عرفات‌العاشقین چاپ ناجی نصرآبادی، افزون بر مورد گفته شده، وزن مصراع دوم نیز مختل است. معنای بیت با توجه به ضبط مجموعه لطایف چنین است: هنگام سرود از رود، پرده (نغمه) بیرون می‌آید؛ حال چون (چگونه) است که چشم من برعکس عمل می‌کند و از پرده چشمم رود جاری می‌شود؟

- و یا شعر زیر از قطب‌الدین شیرازی:

یا رب این بنده بیچاره بی‌فایده عمر  
ور به زندان عقوبت بریم روز شمار  
همچنان از کرمم برنگرفته است امید  
دارم امید که امید بمانم جاوید  
(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۶: ۳۳۷۸)

در برگ «۱۵ پ» مجموعه لطایف به جای «امید بمانم»، «نومید نمانم» آمده است.

«امید بمانم» در بیت بالا، مفید معنایی نیست. ضبط بیت براساس مجموعه لطایف صحیح و معنای آن چنین است: خداوندا، اگر تو مرا در قیامت به جهنم بری، امید دارم که همیشه نومید نمانم (و از جهنم به بهشت درآیم). با این ضبط، بیت با داشتن معنای مستقیم، به یکی از عقاید مهم اشاعره اشاره دارد که به قول شهرستانی «صاحب گناه کبیره چون بی‌توبه بمیرد حکم او به مشیت الهی تعلق دارد یا به رحمت او را بیامرزد ... و یا آنکه عذاب کند او را به مقدار گناهش

و بعد از آن به رحمت به بهشت درآورد؛ و روا نیست که در دوزخ جاوید بماند...» (شهرستانی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۲۹).  
- همچنین بیت زیر از ظهیر فاریابی:

شمعی است چهره تو که هر شب حدیث خویش

پروانه عطا همه آسمان دهد

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۲۵۲۴)

در برگ «۵۷ پ» مجموعه لطایف این بیت اینگونه ضبط شده است:

شمعی است چهره تو که هر شب ز نور خویش

پروانه ضیا به مه آسمان دهد

و در دیوان ظهیر فاریابی بیت با ضبطی نزدیک به مجموعه لطایف اینگونه آمده است:

شمعی است چهره تو که هر شب ز نور خویش

پروانه عطا به مه آسمان دهد

(ظهیر فاریابی، ۱۳۸۴: ۸۵)

با مقایسه عرفات‌العاشقین و مجموعه لطایف و با توجه به دیوان ظهیر، پیداست که این بیت براساس ضبط عرفات‌العاشقین، معنای محصلی ندارد و مصراع دوم آن خالی از اشکال عروضی نیست. در عرفات‌العاشقین (چاپ ناجی نصرآبادی) این بیت حذف شده است.

- از دیگر ضبط‌های اشتباه در عرفات‌العاشقین، می‌توان به ابیات زیر از اشعار فرزدق یمینی اشاره کرد:

پیام آورد از دولت سعادت سوی انس [و] جان

که خواهم گفت یک نکته که هست آن نکته سر جان

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۸)

در برگ «۷۷ ر» مجموعه لطایف به جای «سر جان»، «انس جان» آمده است.

ضبط عرفات‌العاشقین بی‌معنا نیست؛ اما ضبط مجموعه لطایف ارجح می‌نماید؛ زیرا شاعر به جناس بین «انس و جان» در مصراع اول با «انس جان» در مصراع دوم توجه داشته است؛ چنانکه قطران می‌گوید:

خدای ما که پیدا کرد از ناچیز انس و جان ز بهر انس و جان او را پدید آورد انس جان

(تبریزی، ۱۳۶۲: ۲۷۲)

- همچنین این بیت:

محال است این که بی‌همت شود کس [میر] بحر و بر

گزار است این که بی‌امکان شود کس صید انس و جان

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۶۸)

بیت در برگ «۷۷ ر» مجموعه لطایف به این صورت آمده است:

گزار است آنکه بی‌همت شود کس فخر بحر و بر

محال است آنکه بی‌امکان شود کس صدر انس و جان

مصححان هر دو چاپ عرفات‌العاشقین، «فخر» را که در نسخه خدابخش موجود بوده است، به پانوش منتقل کرده

و به پیروی از هدایت در *مجمع‌الفصحا* «میر» را برگزیده‌اند. همچنین ضبط «صید» در مصراع دوم *عرفات‌العاشقین* مفید معنا نیست.

- و یا بیت زیر:

که تا دولت بود قاهر، که تا ملت بود زاهر

که تا قرآن بود معجز، که تا ایمان [بود] عریان

مشهر باش چون ملت مطهر باش چون دولت

مکرم باش چون ایمان، مشرف باش چون قرآن

(اوحدی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۳۱۷۱)

در برگ «۷۸ ر» *مجموعه لطایف* «مظفر باش چون دولت» ضبط شده است.

«مظهر» در این بیت تصحیف «مظفر» است و ضبط *مجموعه لطایف* یعنی «دولت مظفر» صحیح است؛ چنانکه این

ترکیب در شعر معزی نیز آمده است:

گرچه سپهر بر همه کس هست کامکار بر دولت مظفر او کامکار نیست

(معزی، ۱۳۱۸: ۸۹)

## نتیجه‌گیری

*مجموعه لطایف و سفینه ظرایف* تألیف سیف جام هروی از کهن‌ترین سفینه‌های به‌جامانده از قرون هشتم و نهم در شبه‌قاره است که از آن می‌توان در بازتصحیح بخشی از *عرفات‌العاشقین* بهره برد. *عرفات‌العاشقین* حدود دو سده بعد از *مجموعه لطایف* در شبه‌قاره نوشته شده است. وحدت جغرافیایی دو اثر اشتراکاتی را در اشعار انتخابی دو متن ایجاد کرده است. با توجه به اشتراکات دو اثر و قدمت *مجموعه لطایف* نسبت به *عرفات‌العاشقین*، در این پژوهش سعی شد که برخی از خطاهای راه‌یافته به *عرفات‌العاشقین* با تکیه بر *مجموعه لطایف* بررسی شود. این خطاها یا به اوحدی، صاحب *عرفات‌العاشقین* مربوط است و یا به مصححان هر دو چاپ آن تذکره برمی‌گردد. در این مقاله، اشتباهات در چند حوزه بررسی شد که عبارت است از: انتساب اشتباه اشعار؛ خطا در معرفی شاعران؛ لغزش در ضبط نام شاعران و نیز ضبط نادرست متن اشعار. به این ترتیب با مراجعه به *مجموعه لطایف* و سفینه‌های مشابه آن، می‌توان بسیاری از خطاهای راه‌یافته به *عرفات‌العاشقین* چاپی را تصحیح کرد و به متن معتبرتر و منقح‌تری از این تذکره مهم دست یافت.

## پی‌نوشت‌ها

- مانند انتساب رباعیات رباعی‌گویان دوران مختلف به نام خیام و انتساب اشعار ابن‌یمین شبرغانی به ابن‌یمین فریومدی.
- برای اطلاع بیشتر درباره این اصطلاح رک: شفیعیون، ۱۳۹۱: ۳۲۲.
- در *هفت‌قلیم* «کعب‌انبان» آمده است که براساس برگ «۹۴ پ» *سفینه ۶۵۱ سنه*، به «لت‌انبان» اصلاح شد.
- این قصیده در *دیوان حسن کاشی* به نام او آمده است (کاشی، ۱۳۸۹: ۵۵)؛ اما در *دیوان لطف‌الله نیشابوری* (نیشابوری، ۱۳۹۰: ۴۶) و *تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی* (عبدالکریم مداح، ۱۳۹۰: ۶۱) به لطف‌الله نیشابوری منسوب است. اوحدی این قصیده را ذیل نام شاعری مجهول و احتمالاً مجعول به نام «مولانا لطفی» آورده است که شاید همان لطف‌الله نیشابوری باشد.

## منابع

- ۱- افشار، ایرج (۱۳۸۹). سفینه و بیاض و جنگ (مقاله‌های سفینه‌پژوهی)، گردآوری میلاد عظیمی، تهران: سخن.
- ۲- افضل‌ی، خلیل‌الله (۱۳۹۵). «سرگذشت نسخه کابل مجموعه لطایف و سفینه ظرایف»، فصلنامه دانش، اسلام‌آباد، شماره ۱۲۴، ۷-۱۲.
- ۳- اوحدی بلیانی، تقی‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸۸). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، مقدمه، تصحیح و تعلیق سید محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.
- ۴- ----- (۱۳۸۹). عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین، تصحیح ذبیح‌الله صاحب‌کاری و آمنه فخراحمد، تهران: میراث مکتوب و کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۵- بیدکی، هادی و دیگران (۱۳۹۶). «بررسی انتقادی شاعران مجالس‌النفایس در عرفات‌العاشقین»، جستارهای نوین ادبی، سال پنجاهم، شماره سوم، ۹۷-۱۱۵.
- ۶- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین (۱۳۸۸). تاریخ بیهقی، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات و فهرست‌ها محمدجعفر یاحقی، مهدی سیدی، تهران: سخن.
- ۷- تبریزی، محمد حسین بن خلف (۱۳۴۲). برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
- ۸- تبریزی، قطران (۱۳۶۲). دیوان حکیم قطران تبریزی، به اهتمام محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
- ۹- جام هروی، سیف (تألیف ۸۰۴ ق الف). مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، لندن: کتابخانه بریتانیا، شماره Or. 4110 [نسخه خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.
- ۱۰- ----- (تألیف ۸۰۴ ق ب). مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، کابل: آرشیو ملی افغانستان، شماره 14.761 [نسخه خطی]، تاریخ کتابت نامعلوم.
- ۱۱- جعفری جزی، مسعود و دیگران (۱۳۹۳). «اشعار قطران تبریزی در تذکره عرفات‌العاشقین در سنجش با دو تصحیح موجود از این تذکره»، ضمیمه آینه میراث، شماره ۳۵، ۵۱-۷۴.
- ۱۲- جمال‌الدین اصفهانی، محمد بن عبدالرزاق (۱۳۲۰). دیوان کامل جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی، تهران: چاپخانه ارمان.
- ۱۳- خیامپور، عبدالرسول (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران، تهران: طلایه.
- ۱۴- دولت‌شاه سمرقندی، دولت‌شاه بن بختیشاه (۱۳۸۲). تذکره الشعراء، به تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- ۱۵- رازی، امین احمد (۱۳۸۹). تذکره هفت اقلیم، تصحیح و تعلیقات و حواشی سید محمدرضا طاهری «حسرت»، تهران: سروش.
- ۱۶- سفینه ۶۵۱ سنأ. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، [نسخه خطی]، تاریخ کتابت سده ۱۲ ق.
- ۱۷- شفیعیون، سعید (۱۳۸۹). «که کارهای چنین: نقدی بر چاپ تذکره عرفات‌العاشقین»، آینه میراث، شماره ۴۷، ۱۳۱-۱۵۲.
- ۱۸- ----- (۱۳۹۱). «عرفات‌العاشقین، تذکره‌ای ممتاز»، نذر عارف (جشن‌نامه دکتر عارف نوشاهی)، به خواستاری سعید شفیعیون، بهروز ایمانی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۳۲۱-۳۴۶.
- ۱۹- ----- (۱۳۹۳). «نقد چاپ عرفات‌العاشقین، مصداقی برای بایسته‌های تصحیح تذکره‌های ادبی فارسی»،



- متن‌شناسی ادب فارسی، سال ششم، زمستان ۱۳۹۳، شماره ۴ (پیاپی ۲۴)، ۱۰۳-۱۱۶.
- ۲۰- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم بن احمد (۱۳۶۱). توضیح الملل ترجمه الملل و النحل، تحریر مصطفی بن خالقداد هاشمی عباسی، به تصحیح سید محمدرضا جلالی نائینی، تهران: شرکت افست سهامی عام.
- ۲۱- عابدی، امیرحسن (۱۳۶۳). «غزلیات ناشناخته سعدی». کیهان فرهنگی، شماره ۱۰، ۳۳-۳۴.
- ۲۲- عبدالکریم مداح (۱۳۹۰). تشیع و ولای اهل بیت در ادب قدیم فارسی (جنگ عبدالکریم مداح، مورخ ۱۸۴۹)، به کوشش امینه محلاتی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۳- عتیقی تبریزی، جلال‌الدین بن قطب‌الدین (۱۳۸۸). دیوان عتیقی، به کوشش نصرالله پورجوادی، سعید کریمی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۲۴- عضد، جلال (۱۳۹۳). دیوان جلال عضد، به تصحیح علیرضا قوجه‌زاده هلانی، رساله دکترای ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
- ۲۵- علی‌زاده، جمشید (۱۳۹۲). «شاعران تبریز و آذربایجان در عرفات‌العاشقین»، گزارش میراث، سال هفتم، شماره پنجم و ششم، ۹۸-۱۰۱.
- ۲۶- عوفی، محمد (۱۳۹۰). لب‌الالباب، تصحیح ادوارد براون و محمد قزوینی؛ به اهتمام سعید نفیسی، تهران: پیامبر.
- ۲۷- ظهیر فاریابی، طاهر بن محمد (۱۳۸۱). دیوان ظهیرالدین فاریابی، تصحیح امیرحسن یزدگردی؛ به اهتمام اصغر دادبه، تهران: قطره.
- ۲۸- قزوینی، محمد (۱۳۳۲). بیست مقاله قزوینی، با مقدمه عباس اقبال، تهران: کتابفروشی ابن‌سینا.
- ۲۹- کاشی، کمال‌الدین حسن بن محمود (۱۳۸۹). دیوان حسن کاشی، به کوشش سید عباس رستاخیز؛ با مقدمه حسن عاطفی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۳۰- کمال اصفهانی، ابوالفضل کمال‌الدین اسماعیل (۱۳۴۸). دیوان خلاق‌المعانی ابوالفضل کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران: کتابفروشی دهخدا.
- ۳۱- گلچین معانی، احمد (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران: کتابخانه سنائی.
- ۳۲- لامعی گرگانی، ابوالحسن بن محمد (۲۵۳۵). دیوان لامعی گرگانی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: سازمان انتشارات اشرفی.
- ۳۳- ----- (۱۳۸۹). تصحیح انتقادی دیوان لامعی گرگانی با تحقیق در آثار، احوال و سبک شاعر، به تصحیح محمد درزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دانشگاه سمنان.
- ۳۴- لویکی، فضل‌الله عمید (۱۹۸۵). دیوان عمید لویکی، به تصحیح نذیر احمد، لاهور: مجلس ترقی ادب.
- ۳۵- معزی، محمد بن عبدالملک (۱۳۱۸). دیوان امیرالشعرا محمد بن عبدالملک نیشابوری متخلص به معزی، تصحیح عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ۳۶- نحوی، اکبر (۱۳۹۳). «شاعران منطقه فارس در تذکره عرفات‌العاشقین»، ضمیمه آینه میراث، شماره ۳۵، ۱۴۱-۱۵۵.
- ۳۷- نجم رازی، نجم‌الدین ابوبکر (۱۳۶۵). مرصادالعباد، به اهتمام محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۳۸- نذیر احمد (۱۹۹۱ م). غزل‌های حافظ براساس مجموعه لطایف و سفینه ظرایف، دهلی: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران.

- ۳۹- ----- (۱۳۹۴ الف). «کهن‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی»، ترجمه شیوا امیرهدایی، اطلاعات حکمت و معرفت، سال دهم، شماره ۲، ۱۷-۲۲.
- ۴۰- ----- (۱۳۹۴ ب). «چند شاعر فارسی‌گوی عهد فیروزشاه تغلق»، ترجمه شیوا امیرهدایی، نامه فرهنگستان، شماره ۴، ۳۴۷-۳۷۷.
- ۴۱- نفیسی، سعید (۱۹۵۵ م). «کهن‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی»، ارمغان علمی بخدمت پروفیسر داکتر محمد شفیع؛ مرتبه داکتر سید عبدالله، لاهور: پنجاب مجلس ارمغان علمی، ۱۲۵-۱۲۹.
- ۴۲- نمونه نظم و نثر فارسی از آثار اساتید متقدم (۱۳۴۳). به اهتمام و تصحیح حبیب یغمایی، تهران: چاپخانه تابان.
- ۴۳- نوشاهی، عارف (۱۳۷۸). «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی»، معارف، دوره ۱۶، شماره ۱ (پیاپی ۴۶)، ۵۰-۶۵.
- ۴۴- ----- (۱۳۷۹). «فصل موسیقی مجموعه لطایف و سفینه ظرایف»، معارف، دوره هفدهم، شماره ۲، ۱۳۵-۱۴۰.
- ۴۵- ----- (۱۳۸۱). «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف»، دانشنامه ادب فارسی، جلد سوم، ۸۷۹-۸۸۰.
- ۴۶- نیشابوری، لطف‌الله بن سلیمان شاه (۱۳۹۰). دیوان لطف‌الله نیشابوری، به کوشش رسول جعفریان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۴۷- واله داغستانی، علیقلی خان (۱۳۹۱). تذکره ریاض‌الشعراء، تصحیح، مقدمه و فهرست‌ها از ابوالقاسم رادفر، گیتا اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۴۸- وحید، فوزیه (۲۰۱۱). بررسی انتقادی جلد اول مجموعه لطایف و سفینه ظرایف نوشته سیف جام هروری، رساله دکترا ادبیات فارسی، دانشگاه علیگره.
- ۴۹- ----- (۲۰۱۴). هندو ایرانی شعرا کانو دریافت مجموعه کلام، علیگره: مشکو پرنترس.
- ۵۰- وطواط، رشیدالدین محمد (۱۳۳۹). دیوان رشیدالدین وطواط، با مقدمه و مقابله و تصحیح سعید نفیسی، تهران: کتابخانه بارانی.